

« روح القدس هدایت کننده کلیسا »

تشبیه شد . با مطالعه تاریخ مسیحیت در طول این دو هزار سال اخیر ، از حضور روح القدس و فعالیت او در کلیسا آگاه میشویم . به وسیله فیض و عطایای او بود که کلیسای مقدس جهت انجام رسالت خویش متحمل رنجهای بسیار و شکنجه های گوناگون گردید ، لیکن هیچ قدرتی نتوانست آنرا از پیمودن راهی که مسیح پیموده بود باز دارد. "لیکن چون روح القدس بر شما می آید ، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود ، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دور افتاده ترین نقاط عالم" (کارهای رسولان باب ۱ آیه ۸) .

امروز نیز در بعضی کشورها ، مسیحیان بعزت ایمانشان و شهادت زندگی ایشان به مسیح مورد زجر و رنج و شکنجه قرار میگیرند و تعدادی از آنها کشته شدند یعنی به فیض رفیع شهادت نائل گشتند . زندگی افتخار آمیز این عزیزان نشانگر حضور روح القدس در قلب ایشان می باشد ، روح القدسی که به آنها قدرت و شجاعت بخشید تا اینکه هرگز مسیح را انکار نکرده و مرتد نباشند. عیسی فرمود : "خوب توجه کنید ، من شما را مانند گوسفندان به میان گرگها می فرستم . شما باید مثل مار هوشیار و مانند کبوتر بی آزار باشید . مواظب باشید زیرا مردم شما را تحویل دادگاهها خواهند داد و شما را در کنیسه ها تازیانه خواهند زد و شما را به خاطر من پیش فرمانروایان و پادشاهان خواهند برد تا در برابر آنان و ملل بیگانه شهادت دهید . اما وقتی که شما را دستگیر میکنند نگران نباشید که چه چیز و چطور بگویید چون در همان وقت آنچه باید بگویید به شما داده خواهد شد ، زیرا گوینده شما نیستید،

دوستان گرامی ، اخیراً عید «پنطیکاست» را یعنی نزول روح القدس بر شاگردان که در اورشلیم جمع شده بودند برگزار کردیم . در آن روز وعده ای که خداوندمان عیسی مسیح به شاگردانش داده بود به تحقق رسید. "وقتی هنوز در بین شاگردان بود به ایشان گفت : اورشلیم را ترک نکنید بلکه در انتظار آن وعده پدر ، که در خصوص آن به شما گفته بودم ، باشید . یحیی با آب تعمید میداد ، اما بعد از چند روز شما با روح القدس تعمید خواهید یافت" (کارهای رسولان باب ۲ آیه ۴-۵) .

و بر حسب انجیل یوحنا عیسی به شاگردانش فرمود : "اگر مرا دوست دارید ، دستورهای مرا اطاعت خواهید کرد و من از پدر درخواست خواهم کرد و او پشتیبان دیگری به شما خواهد داد که همیشه با شما بماند . یعنی همان روح راستی که جهان نمی تواند بپذیرد زیرا او را نمی بیند و نمی شناسد ولی شما او را می شناسید ، چون او پیش شما می ماند و در خود شما خواهد بود" (انجیل یوحنا باب ۱۴ آیه ۱۵-۱۷) .

زیباترین ثمره نزول روح القدس بر شاگردان بوجود آمدن کلیسا می باشد ، کلیسا به معنی جماعت ایمانداران که به عیسی مسیح ایمان آوردند اند و شاهدان او می باشند . میلاد کلیسا مانند میلاد مسیح توسط روح القدس انجام گرفت و این نشانگر آن است که کلیسای مسیحی ریشه در نقشه نجات خدا دارا می باشد . خدا از ابتدا مقرر فرموده بود که روزی توسط فعالیت رسولی و تبشیری کلیسا مردم را بسوی مسیح نجات دهنده عالم بشریت هدایت نماید ، به همین دلیل کلیسا به کشتی نجات

بلکه روح پدر آسمانی شماست که در شما سخن میگوید" (انجیل متی باب ۱۰ آیه ۱۶-۲۰).

دوستان عزیز: ما نیز مانند شاگردان فیض روح القدس را دریافت کردیم. راز تعمید آن رازیست که ما را از روح القدس پر کرده تا اینکه بتوانیم شاهدان عیسی مسیح که مرد و رستاخیز نمود باشیم. با فیض تعمید شریک مرگ و رستاخیز مسیح شده و همچنین اعضای زنده کلیسا مقدس او گشتیم. باید خوب بدانیم که انجام فعالیت رسالتی و تبشیری کلیسا تنها به اسقفان و کشیشان و راهبه ها بستگی ندارد، بلکه هر مسیحی دعوت شده تا در احیای این فعالیت نجاتبخش و به ثمر رساندن آن کوشا باشد. وظیفه اصلی هر فرد و هر گروه مسیحی، چه مرد و چه زن، چه دختر و چه پسر از طریق شهادت زندگی ایشان مژده مسیح منجی را به هموعان خود برسانند. همه مردم باید از نجاتی که توسط مرگ و رستاخیز مسیح به انجام رسید بهرمنند شوند. جهت تحقق بخشیدن به این امر بسیار مقدس و با ارزش خداوندمان عیسی مسیح روح القدس را از نزد پدر فرستاد تا همیشه با کلیسای او باشد و آنرا هدایت نماید. "وقتی او که روح راستی است بیاید شما را به تمام حقیقت هدایت خواهد کرد" (انجیل یوحنا باب ۱۶ آیه ۱۳).

ما مسیحیان ایمان داریم که تمام حقیقت در شخص عیسی مسیح بطور کامل تجلی یافت. ایشان فرمود: "من راه حقیقت و حیات هستم. هیچ کس جز بوسیله من نزد پدر نمی آید" (انجیل یوحنا باب ۱۴ آیه ۶).

پولس رسول در رساله او به مسیحیان غلاطیه درباره ثمرات روح القدس صحبت میکند و می گوید: "اما ثمره ای که روح القدس به بار میآورد: محبت، خوشی، آرامش، بردباری، مهربانی، خیر خواهی، ایمان، فروتنی و خویشنداری است که هیچ قانونی که بر خلاف چنین کارها باشد وجود ندارد و آنانیکه متعلق به مسیح عیسی هستند، طبیعت نفسانی را با هوسها و امیال آن مصلوب کرده اند. اگر روح خدا منشأ زندگی ماست، او هم باید هدایت کننده زندگی ما باشد. خود پسند نباشیم و

یکدیگر را نرنجانیم و بر یکدیگر حسادت نوزیم" (رساله به غلاطیان باب ۵ آیه ۲۲-۲۶).

جا دارد برای این عطایای گوناگون که روح القدس به ما افاضه کرد خدا را شکر و سپاس گوئیم، او که برای محبتی که نسبت به ما دارد از قبل توسط پسر محبوب وی ما را برگزید تا فرزندان او باشیم و روح القدس خود را برای ما فرستاد تا سنگهای زنده و روحانی کلیسای او باشیم که بر مسیح سنگ اصلی آن بنا شده است.

"ای روح القدس، روز به روز ما را بهتر و عمیقتر از هویت مسیحی و رسالت کلیسایی ما را آگاه ساز. آمین"

خدمتگزار شما

رمزی گرمو

اسقف اعظم خلیفه گری آشوری کلدانی کاتولیک تهران



کی، من؟

خانه متی باجگیر شلوغ تر از همیشه بنظر میرسید. شب بود. صدای موسیقی به گوش میرسید و تدارک شام دیده میشد. حتماً میهمانی بزرگی در کار بود. یواشکی از لابلاي درختان نگاه کردم. به چشمان خودم اطمینان نکردم: نه فقط دوستان آنچنانی حضور داشتند، بلکه عیسی و شاگردانش هم از راه رسیدند. خیلی راحت بنظر نمیرسیدند. یک دفعه احساس کردم یکی از شانه ام زد، برگشتم... گفت: اگر میخواهی وارد خانه شوی... بفرما! اصلاً موقعیت را از دست ندادم و وارد شدم. نزدیک متی شدم. تازه از این شغل شریف یعنی جمع آوری مالیات برای هرود آنتیپا در کفر ناحوم دست برداشته بود. هر که این کاره بود در ردیف دزدان و غارت گران و زالوهای که خون مردم را می مکیدند، حساب میشد. بیشتر پولی که جمع میشد تو جیب خودشان میرفت. اما حالا متی همه این ثروت را گذاشته بود و دنبال عیسی رفته بود. بنظر خوشحال می آمد. به او نزدیک تر شدم و حاضر شد که به سوالات من جواب بده.

چرا از کار خود دست برداشتید؟ شما هنوز جوان هستید!

همین دیروز اتفاق افتاد. مثل همیشه در محل کارم حاضر بودم. اما اتفاقی در کمین بود! رابی عیسی و شاگردانش از آنجا رد می شدند. حتماً راجع به او شنیده اید. من مشغول کارم بودم. عیسی ایستاد و به من خیره شد، صدایش را شنیدم که گفت: دنبال من بیا.

خوب چی شد بعد؟

اولین عکس العمل من این بود که بگم: کی، من؟ اما صدایم در درون خفه شده بود. خطاب او به من یک دستور کاملاً روشن بود. اصل مطلب اینجاست. عیسی از من خواست که بدنبالش بروم. با من بحث نکرد، از من یک عمل قهرمانانه نخواست، به من یک پیشنهاد آنچنانی نداد. هیچ اتهام یا تهمتی به من نزد، بلکه همینطور که هستم مرا قبول کرد! از من توبه و یا قربانی ای نخواست. فقط به من گفت: بدنبال من بیا!

خوب بعد چه شد؟

هیچی، بدون اتلاف وقت، همه چیز را گذاشتم و بدنبالش رفتم!

با این کار چه حسی داشتی؟

اولین حسم این بود که در عیسی نجات هست. بگذارید اینطور بگم: عیسی نجات است. احساس گناه نمیکردم و نه اینکه آدم درستی از نظر اخلاقی باشم. فقط حس میکردم که یک آدم دیگه شدم. و می بینم که این "نو" شدن مرا بسیار قانع و ارضاء میکند.

بخشید، اما همه میدانند که هر کس شغل شما را داشته باشد، نمی تواند آدم درستی باشد. چرا عیسی شما را انتخاب کرد؟

این موضوع برای خودم هم یک راز باقی میماند. صفات برجسته ای نداشتم. با اینکه کارم را خیلی خوب انجام میدادم! اما عیسی بدنبال "خوب ها" نمی رود. اما مطمئن هستم که وقتی عیسی کسی را دعوت میکند، این کار را اتفاقی انجام نمیدهد. فکر میکنم این اتفاق برای کسانی می افتد که بدنبال بهتر شدن هستند.

از انتخاب که کردید، مطمئن هستید؟

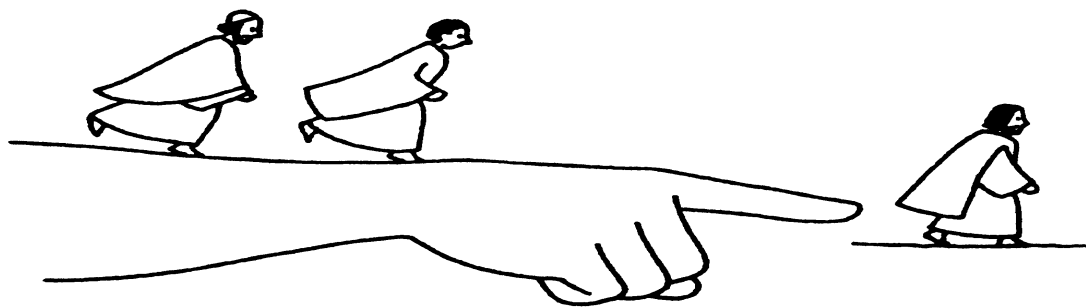
مثل همیشه هر انتخابی یک چشم پوشی ای هم بدنبالش می آید. البته در شرایط من برگشتن به عقب وجود ندارد. در حالی که برای سایر شاگردان برگشتن به خانه و زندگیشان خیلی ساده تر است. برای عوض کردن زندگی از این رو به آن رو بود: چه از نظر اخلاقی و چه از نظر مالی. اما میدانم که انتخاب درست است و حاضرم ریسک آن را نیز بپذیرم.

و اما جشن امروز، چطور میتوانید آدمهای اینقدر متفاوت را در کنار هم قرار دهید؟

راستش حداقل کاری بود که میتوانستم بکنم. دلم میخواست شادی بودن با عیسی را دوستانم هم بچشند. اما اینکه برای او در انتظار مردم شریک شدن در گناه ایشان است، خود این موضوع هم دلیل آزادی و رهایی است. در حقیقت عیسی برای هر کسی دریچه تازه ای به زندگی باز میکند. باعث میشود بهتر شدن را بیابیم از راه ملاقات با آنکه صادق و خوب است. عیسی قادر است تفاوتها را در کنار هم بگذارد و ما را به گفتگو بنشانند. از خود ما رسولانش شروع کنید که اینقدر با هم از نظر فرهنگ و شرایط زندگی و سن و سال فرق میکنیم. او مرا ثبت خبر خوش نجاتی که آورده است، فراخواند.

آیا برای چیزی دلت تنگ شده؟

وقتی به "محبت" آشنا شدم، تمام دفاتر را بستم! میدانید، با عیسی مالیات آسمانی نداریم! فقط باید هنر محبت کردن و محبت دیدن را آموخت.



سرود مریم مقدس

درود بر تو ای مریم پر از نعمت خدا با توست میان
همه زنان تو خجسته هستی و عیسی میوه درون تو
خجسته است ای مریم مقدس مادر خدا برای ما
بیچارگان گناهکار اکنون و در هنگام مرگمان دعا
کن آمین.

می توانی سرود مریم مقدس را حفظ کنی و هر شب
قبل از خواب بخوانی.

باید بتوانی به خدا اطمینان کنی و روح القدس در این
راه به تو خیلی کمک خواهد کرد.

روح القدس به تو یاد می دهد که در مقابل خدا
سکوت کنی و آرام باشی تا بتوانی به حضور او برسی.
با کمک روح القدس می توانی انجیل بخوانی و حفظ
کنی و معنی آن را کم کم بفهمی. انجیل کلام خداست
و هیچ چیز بیشتر از انجیل نمی تواند ما را با عیسی
آشنا کند.

دعای ای پدر ما

ای پدر ما که در آسمانی
خجسته باد نام تو برسد فرمانروایی تو
روان باد خواست تو روی زمین
چنانکه در آسمان است
امروز به ما ده نان روزانه ما را
ببخش گناهان ما را
چنانکه ما نیز بخشیده ایم بدهکاران خود را
و ما را در بوته آزمایش فرو مبر
بلکه از بدی رهایی ده
زیرا پادشاهی و جلال و نیرومندی از آن توست
آمین

چطور می توان دعا کرد؟

بعضی وقتها آدم فکر می کند که دعا کردن کار
سختی است. اگر در کتاب مقدس نگاه کنید
می توانید چنین دعاهایی بیابید:

- ای خدا به من بگو چه می خواهی و
من آن را انجام خواهم داد.
- خدایا من ترا خیلی دوست می دارم ،
تو نیروی من هستی.
- خدایا من خیلی خوشبخت نیستم چرا
اجازه دادی که بدنیا بیایم.
- قلب من پر از شادی است زیرا تو
مرا نجات داده ای.

اینها دعاهایی است که از زبان انبیایی مثل موسی ،
داود ، ایوب و مریم مقدس آمده اند.

پس می بینید که آدم می تواند همه چیز را بخدا
بگوید ، همانطور که با یک دوست صحبت می کنیم.
تو می توانی با خدا از شادی و غم و عصبانیت و
امیدهایت صحبت کنی.

می توانی از او بخواهی تا سئوالاتی که درباره اش
داری برای تو روشن سازد.

به همه این کارها ، "دعا کردن" می گویند.
هرچه بیشتر دعا کنی ، بهتر دعا خواهی کرد و بیشتر
صدای خدا را خواهی شنید.

تو می توانی دعایی را که عیسی مسیح به ما یاد داد ،
بارها تکرار کنی: ای پدر ما که در آسمانی...

بدنیال حقیقت

نمی توانستم باور کنم آنچه را که به چشم می دیدم! اسم مغازه این بود: "مغازه حقیقت"! یعنی واقعاً آنجا حقیقت می فروختند؟ رفتم توی مغازه، خانم فروشنده خیلی مودب پرسید: چه نوع حقیقت می خواهید: کامل یا نسبی؟! گفتم: کامل البته!

می خواستم "حقیقت من" خالص باشد بدون از جعلی بودن، دلیل تراشی، دفاع از خود... خانم فروشنده آنطرف دیگر مغازه را نشان داد. رفتم آنجا و یک آقای محترم آمد و با نگاهی پر عطفوت به من گفت: قیمت "حقیقت کامل" خیلی بالاست!

من می خواستم به هر قیمتی که شده بدستش بیاورم. گفتم: چنده!

گفت: به قیمت از دست دادن آسایش در سراسر زندگیت!

خیلی ناراحت از مغازه بیرون رفتم. فکر می کردم بتوانم با قیمت مناسب تری بدستش آورم. اما معلوم شد که هنوز برایش آمادگی لازم را ندارم. من خیلی مشتاق بودم اما نه آنقدر که بتوانم براستی با خودم همانطور که هستم روبرو شوم! هنوز نیاز به دلیل تراشی و تبرئه خود و خودستایی... داشتم.

ریشه در حقیقت یافتن (دواندن)

چرا بعضی چیزها را انتخاب می کنیم و بعضی را رد می کنیم؟

آیا در ارتباط با دیگران زیبایی باهم بودن را شناخته ایم و یا دلایل دیگری داریم؟

ارتباط ما با خلقت در چه سطحی است؟ آیا ارتباط با خالق را آسان تر می سازد؟

آیا ارتباط با اطرافیان "مرا" با خود آشنا تر می سازد؟

آیا این ارتباطات و پی بردن به حقیقت درونم مرا عمیق تر متوجه حضور خدا در زندگی ام می سازد؟

تفکر درباره این سؤالات و طی این مسیر شما را به مفهوم زندگیتان نزدیک تر می نماید.

زندگی را بیش از منطق و پویش واقعیاتش دوست داشته باش، آنوقت بیشتر به معنی آن پی خواهی برد و پس ظواهر را

خواهی دید با این کارت نگاه های تازه ای به زمین خواهی آفرید.

زندگی مثل چای است

گروهی از فارغ التحصیلان قدیمی یک دانشگاه که همگی در حرفه خود آدم های موفق شده بودند ، با همدیگر به ملاقات یکی از استادان قدیمی خود رفتند. پس از خوش و بش اولیه ، هر کدام از آنها در مورد کار خود توضیح می داد و همگی از استرس زیاد در کار و زندگی شکایت می کردند.

استاد به آشپزخانه رفت و با یک کتری بزرگ چای و انواع و اقسام فنجان گوناگون ، از پلاستیکی و بلور و کریستال گرفته تا سفالی و چینی و کاغذی (یکبار مصرف) بازگشت و مهمانانش را به چای دعوت کرد و از آنها خواست که خودشان زحمت چای ریختن برای خودشان را بکشند.

پس از آن که تمام دانشجویان قدیمی استاد برای خودشان چای ریختند و صحبت ها از سر گرفته شد ، استاد گفت:

«اگر توجه کرده باشید ، تمام فنجان های قشنگ و گران قیمت برداشته شده و فنجان های دم دستی و ارزان قیمت ، داخل سینی بر جای مانده اند. شما هر کدام بهترین چیزها را برای خودتان می خواهید و این از نظر شما امری کاملاً طبیعی است ، اما منشاء مشکلات و استرس های شما هم همین است. مطمئن باشید که فنجان به خودی خود تأثیری بر کیفیت چای ندارد. بلکه برعکس ، در بعضی موارد یک فنجان گران قیمت و لوکس ممکن است کیفیت چایی که در آن است را از دید ما پنهان کند. چیزی که همه شما واقعاً می خواستید یک چای خوش عطر و خوش طعم بود ، نه فنجان. اما شما ناخود آگاه به سراغ بهترین فنجان ها رفتید و سپس به فنجان های یکدیگر نگاه می کردید.

زندگی هم مثل همین چای است. کار ، خانه ، ماشین ، پول ، موقعیت اجتماعی و ... در حکم فنجان ها هستند. مورد مصرف آنها ، «نگهداری و در بر گرفتن زندگی است. نوع فنجانی که ما داشته باشیم ، نه کیفیت چای را مشخص می کند و نه آن را تغییر می دهد. اما ما گاهی صرفاً با تمرکز بر روی فنجان ، از چایی که خداوند برای ما در طبیعت فراهم کرده است لذت نمی بریم ؛ خداوند چای را به ما ارزانی داشته نه فنجان را ، از چایتان لذت ببرید.

خوشحال بودن البته به معنی این که همه چیز عالی و کامل است نیست بلکه بدین معنی است که شما تصمیم گرفته اید آن سوی عیب و نقص ها را هم ببینید.»

زندگی جیره مختصری است مثل یک فنجان چای و کنارش عشق است مثل یک حبه قند ؛ زندگی را با عشق نوش جان باید کرد.

اخبار و تقویم کلیسایی

- پنجشنبه ۱۴ خرداد ۹۴ = ۴ ژوئن ۲۰۱۵، عید بدن مقدس مسیح، نماز قربانی مقدس ساعت ۱۰ صبح در کلیسای حضرت یوسف برگزار می گردد.

عهد عتیق: کتاب آفرینش فصل ۱۴ آیه ۱۱ الی ۲۰

رساله: اول قرنتیان فصل ۱۱ آیه ۲۳ الی ۳۰

انجیل: یوحنا فصل ۶ آیه ۵۱ الی ۶۴

- یکشنبه ۱۷ خرداد ۹۴ = ۷ ژوئن ۲۰۱۵، یکشنبه سوم رسولان

عهد عتیق: اشعیا فصل ۱ آیه ۱ الی ۹

رساله: اول قرنتیان فصل ۷ آیه ۱ الی ۷

انجیل: لوقا فصل ۱۰ آیه ۲۳ الی آخر

- جمعه ۲۲ خرداد ۹۴ = ۱۲ ژوئن ۲۰۱۵، عید قلب مقدس عیسی، نماز قربانی مقدس ساعت ۱۰ صبح در کلیسای حضرت یوسف برگزار می گردد.

عهد عتیق: هوشع نبی فصل ۸ آیه ۱۸ الی ۲۹

رساله: رومیان فصل ۹ آیه ۳۰ الی فصل ۱۰ آیه ۱۷

انجیل: متی فصل ۱۱ آیه ۲۵ الی ۳۰ و یوحنا فصل ۱۹ آیه ۳۰ الی ۳۷

- یکشنبه ۲۴ خرداد ۹۴ = ۱۴ ژوئن ۲۰۱۵، یکشنبه چهارم رسولان

عهد عتیق: اشعیا فصل ۱ آیه ۱۰ الی ۲۰

رساله: اول قرنتیان فصل ۹ آیه ۱۳ الی آخر

انجیل: لوقا فصل ۶ آیه ۱۲ الی ۴۶

- یکشنبه ۳۱ خرداد ۹۴ = ۲۱ ژوئن ۲۰۱۵، یکشنبه پنجم رسولان

عهد عتیق: اشعیا فصل ۱ آیه ۲۱ الی ۳۱

رساله: اول قرنتیان فصل ۱۴ آیه ۱ الی ۹

انجیل: لوقا فصل ۱۲ آیه ۱۶ الی ۳۴

- یکشنبه ۷ تیر ۹۴ = ۲۸ ژوئن ۲۰۱۵، یکشنبه ششم رسولان و نماز عید حضرت پطرس و پولس برگزار می گردد.

عهد عتیق: اشعیا فصل ۲ آیه ۱ الی ۱۹

رساله: اول قرنتیان فصل ۱۰ آیه ۱۴ الی ۳۲

انجیل: لوقا فصل ۱۲ آیه ۵۷ الی فصل ۱۳ آیه ۱۷